

وظیفه اقتصادی در سبک زندگی قرآنی

محمدکاوایی^۱

۱. انگیزه فعالیت های اقتصادی:

به طور کلی در يك سطح اوليه و بالا در اين سيستم مفهومي، به راحتی معلوم مي شود که انگیزه مهم و اساسي در کار اقتصادی نیز مثل همه کارها در ابعاد دیگر، عبارت است از دوستي خدا و کسب رضایت او؛ لکن در سطحي پایین تر، انگیزه هاي دیگر که مصادیقي از این انگیزه خواهند بود عبارتند از:

برطرف کردن نیازهاي شخصي و خانوادگي: در اسلام هزینه کردن اموري مثل خوراك، پوشاك، استراحت، زیبایی، تفریح، و زیارت، سیاحت، وسیله نقلیه، منزل^۲، ازدواج، و... برای خود شخص تایید شده، اما در زیاده روی برای این امور مخالفت جدی شده است. اختصاص دادن همین نوع هزینه ها برای دیگر افراد خانواده تشویق شده است، لکن در حدی که ضرورت دارد و نیاز فردی و وجهه اجتماعی آنها محفوظ می ماند لکن از زیاده روی نهی شده است، در هر صورت، سخت گیری و احتیاطی که در مورد هزینه های شخصی خودش می کند، در مورد افراد خانواده اش کمتر است. هزینه برای امور معنوي مثل آموزش و تربیت افراد خانواده به ویژه فرزندان، لازم و ضروري شمرده شده است و در آنها نباید کوتاهی کرد.

کمک کردن به نیازمندان: اموري مثل توجه به نیازهاي افراد ناتوان اعم از بستگان نزدیک و دور و همسایه و دوست و...، هدیه دادن، مهمانی و اطعام، عیادت بیمار، از مواردی است که در این سیستم مفهومي جایگاهی بالا دارد. هزینه کردن برای نیاز های خود با احتیاط و سخت گیری زیاد، برای نیاز های خانواده با سخت گیری و احتیاط کمتر، و برای نیاز های نیازمندان دیگر، بدون محدودیت، بلکه با تشویق، توصیه شده است.^۳

مشارکت در امور اجتماعی: ساختن امور مورد نیاز کل جامعه، مثل مدرسه، مسجد، تفریحگاه عمومی، ورزشگاه عمومی، جاده، پل، و تمام مظاهر امروزي هر کدام از اینها، از مواردی است که می تواند از انگیزه های خوب يك مسلمان برای کسب درآمد باشد، اگر کسی به تمام نیاز های فردی و خانوادگی خود رسیده است و به نیازمندان مورد نظر خود نیز رسیدگی کرده است، باز هم نباید برای فعالیت های اقتصادی بردارد، بی انگیزه شود، بلکه، مشارکت در امور اجتماعی، بسیار مهم تلقی شده و از نظر اسلام

۱ - عضو هیئت علمی گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۲ والله جعل لكم من بیوتکم سکنًا و جعل لكم من جلود الانعام بیوتا تستخفونها يوم ظعنکم و يوم اقامتکم و من اوصافها و اوبارها و اشعارها اثاثًا و متاعًا الي حين... (نحل/۸۰-۸۲).

۳ انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملین علیها والمؤلفه قلوبهم وفي الرقاب والغارمین وفي سبیل الله و ابن السبیل، فریضه من الله والله علیم حکیم (توبه/۶۰).

ارزش فراوان دارد.

ارضاء نیاز درونی و حفظ عزت اجتماعی فرد: حالت روانی انسان به گونه ای است که بر اساس طبع اولیه اش، مال را دوست دارد، اسلام نیز این حالت را که خداوند در وجود انسان قرار داده است، نفی نمی کند، بلکه بدست آوردن مال حلال را تشویق و دفاع از اموال خود در مقابل متجاوز را تاکید می کند و حتی کشته شدن در راه دفاع از مال را نیز در حکم جهاد می داند و اجر ویژه می دهد^۲ و برای مال بر انسان احکام و حقوقی قائل شده است.

اقتدار اقتصادی حکومت اسلامی (در سطح کلان اجتماعی)؛ نیز یکی از اهداف و انگیزه های مهم اقتصادی می تواند باشد. در این سیستم مفهومی، ضرورت حکومت اسلامی امری مسلم و قطعی است، لذا برای آن منابع مالی مشخصی نیز قرار داده شده است، بسیاری از اموال عمومی مثل دریاها، کوه ها، بیابان ها، و معادن،... در مالکیت حکومت اسلامی است، خمس، زکات، جزیه،... نیز به عنوان منبع درآمد حکومت اسلامی محسوب می شود. برای این حکومت، تکالیف اقتصادی فراوانی مثل هر حکومت دیگر نیز لحاظ شده است، مثل آبادی و عمران شهرها و روستاها، رسیدگی به نیازمندی که کسی تکفل آنها را بر عهده ندارد، دفاع از مرزها، حفظ امنیت داخلی، پیشبرد فرهنگی و اقتصادی و... کل جامعه. به طور کلی می شود گفت که قدرت اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومتها نیز از چند جهت موضوعیت دارد: الف) ترساندن کفار و دشمنان خارجی تا نقشه تجاوز نظامی به حکومت اسلامی را نکشند^۳ یکی از مهمترین وسایل ترس، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی است، ب) اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملل فقیر^۴. این نکته از قاعده فقهی «نفی سبیل» نیز استفاده می شود^۵. بر اساس قوانین فقهی هر گونه واردات یا تجارتي که باعث تسلط کفار بر جامعه اسلامی شود، حرام شمرده می شود.

علاوه بر آنچه که گذشت و راجع به انگیزه های مثبت و ایجابی سخن گفتیم، انگیزه های سلبی و منفی ای نیز وجود دارد، که باید از آنها اجتناب کنیم؛ به اختصار اشاره ای به آنها می کنیم. اصالت دادن به مال ممنوع است، اگر چه مال خوب است و قرآن هم در بعضی موارد از آن با تعبیر «خیر» از آن یاد کرده است^۶، لکن نباید هدف اصلی و اولی قرار بگیرد، باید همواره در نظر داشته باشیم که مال ابزاری است برای رسیدن به موفقیت های

^۱ زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین و القناطیر المقنطره من الذهب و الفضه و الخیل المسومه (آل عمران/۱۴).

^۲...سئل ابا عبدالله عن الرجل یقاتل دون ماله فقال، قال رسول الله (ص): من قتل دون ماله فهو فهو بمنزله الشهيد (کافی، ج ۵، ص ۵۲).

^۳ و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم (انفال/۶۰).

^۴ ولاترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار ومالکم من دون الله من اولیاء ثم لاتنصرون (هود/۱۱۳).

^۵ لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً (نساء/۱۱۴).

^۶ کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیرا الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المؤمنین (بقره/۱۸۰).

معنوي و دستيابي به آخرتي خوبتر^۱. به هنگام دارائي فراوان نبياید در مقابل خداوند طغيان و سرمستی کنیم^۲؛ در مقابل بندگان خداوند نیز باید تواضع و مهرباني خود را حفظ کنیم^۳. طبيعت انسان به گونه اي است که در صورت بي نيازي ظاهري مادي، خود را گم مي کند و تکالیف ديگر را به فراموشي مي سپارد، و همه چيز را از خودش مي داند^۴. فخر فروشي به مال و دارائي ممنوع است، قارون از افراد قوم موسي (ع) بود و به دارائي خود فخر مي فروخت^۵ و سزاي آن را دید؛ باغداری که نعمت هاي فراوان داشت و به رفیق خود فخر مي فروخت که من از تو مال و افراد بيشتري دارم^۶ و در اين بين، قيامت و خداوند را نیز فراموش کرد و كاملا به اسباب مادي دل بست، خداوند نیز او را در همين دنيا و با گرفتن آن باغ و نعمت هایش، مجازات کرد^۷. دل بستن و چشم دوختن به دارائي هاي ديگران نیز نکوهش شده است^۸، پس از فکر و مشورت و تصمیم گيري درست در يك کار اقتصادي و مراقبت هاي حين کار، آنچه اهميت دارد، اين است که تکلیف مدار باشيم، نه نتيجه مدار، و بدانيم که مقدار روزي ما را در نهايت خودمان تعيين نمي کنیم، بلکه خداوند است که آن را تعيين مي کند^۹ و روزي هر کس را بخواهد وسيع يا تنگ مي گيرد^{۱۰}.

۲. بايدها و نبيادهاي فعاليت اقتصادي (در کسب درآمد، توزيع و مصرف).

بر اساس اصطلاح رايج اقتصاد، بايد بگوئيم بيشتري موفقيت اقتصادي از دیدگاه اسلام عبارت است از موقعيتي که فرد يا گروه يا جامعه، بيشتري بازده، کمترین هزینه و عادلانه ترين توزيع را داشته باشد. رسول خدا (ص) يکي از صفات مؤمن را کم هزینه بودن و بسيار ياري رسان بودن دانسته اند^{۱۱} امام علي (ع) نیز در توصيف پرهيزگاران مي فرمايند «جان خودش از او همواره در رنج است و ديگران از او در آسایش هستند»^{۱۲} آن حضرت از اين

^۱ المال والبنون زينه الحيوه الدنيا والباقيات الصالحات خيرو عند ربك ثوبا و املا (كهف/۴۶).

^۲ ان الانسان ليطغي ان رآه استغني (علق/۶).

^۳ ان قارون كان من قوم موسي فبغى عليهم و آتيناهم من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوا بالعصبه اولي قوه، اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا يحب الفرحين (قصص/۷۶).

^۴ قال انما اوتيته علي علم عندي، اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من هن اشد منه قوه و اكثر جمعا... (قصص/۷۸).

^۵ فخرج علي قومه في زينته قال الذين يريدون الحيوه الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتي قارون، انه لذو حظ عظيم (قصص/۷۹).

^۶ وكان له ثمر فقال لصاحبه و هو يحاوره انا اكثر منك مالا و ا عز نفرا (كهف/۳۴).

^۷ ودخل جنته و هو ظالم لنفسه قال ما اظن ان تبید هذه ابداء، وما اظن الساعه قائمه و لئن رددت الي ربي لاجدن خيرا منها منقلبا (كهف/۳۵ و ۳۶).

^۸ ولاتمدن عينيك الي ما متعنا به ازواجا منهم زهره الحيوه الدنيا لنتفتنهم فيه... (طه/۱۳۱).

^۹ ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون لكم رزقا فابتغوا عندالله الرزق و اعبدوه و اشكروا له... (عنكبوت/۱۷).

^{۱۰} اولم يروا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء و يقدر ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون (روم/۳۷).

^{۱۱} بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۰.

^{۱۲} نفسه منه في عناء و الناس منه في راحه (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

جهت هم مثل جهات دیگر، موفقیت کامل داشتند و نشان دادند که با ابزاری غیر از دنیا طلبی نیز می‌شود دنیا را آباد کرد. این همان چیزی است که از این سیستم مفهومی برمی‌آید و نظام های اقتصادی دیگر از درک و اجرای آن عاجز هستند. ایشان (ع) می‌فرمایند من آفریده نشدم که خوراکی های پاکیزه مرا به خود مشغول دارد همچون حیوان پرواری که تمام هم او علف او است... و از سرنوشتی که در انتظار او است بی‌خبر است...^۱، او برای آبیاری درختان خرما بعضی از یهودیان مدینه باستان خود از چاه آب می‌کشید تا حدی که دستان او تاول می‌زد؛ آنگاه دستمزد خود را صدقه می‌داد و بر شکم خود [از گرسنگی] سنگ می‌بست.^۲ و به خاطر دوستی خدا، به بستگان، یتیمان، در راه ماندگان، و درخواست کنندگان، انفاق می‌کرد^۳ و کار یتیمان را اصلاح می‌کرد.^۴

کسب درآمد: خداوند تمام طبیعت را برای بشر قرار داده است و از او خواسته است که نیاز های خود را از آن بدست بیاورد.^۵ برای کسب درآمد، در اسلام، دستورا لعمل های متعددی وجود دارد که اشاره ای به بعضی از آنها می‌کنیم: قرآن در مرتبه اول، روابط مالی انسان ها را بر اساس مبادلات تجاری می‌داند.^۶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف به آن رضایت داده باشید، از این آیه چند اصل استفاده می‌شود. الف) اصل عدم تصرف در اموال یکدیگر. ب) اصل جواز تصرف در اموال یکدیگر بر اساس رضایت دو طرف. ج) اصل مالکیت که زیربنای دو اصل مذکور است. هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود درآمد خود را پاک کند و حق مردم را بپردازد. دعای هیچ بنده ای که مال حرامی در شکمش باشد یا مظلومه کسی به گردنش باشد، به درگاه خدا بالا نمی‌رود.^۷ کسب درآمد از راه ربا حرام است و در حکم جنگ با خداوند است.^۸ گرفتن اموال یتیم و آمیختن اموال پاک و ناپاک ممنوع است.^۹ دختران یتیم را نباید به طمع اموالشان، به زوجیت

^۱ (نهج البلاغه / نامه ۴۵) ..

^۲ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲.

^۳ و يطعمون الطعام علي حبه مسكينا و یتیمان و اسیرا... (انسان/۸).

^۴ ویسئلونک عن الیتیمی قل اصلاح لهم خیر و ان تخالطوهم فاخلطوهم (بقره/۲۲۰)

^۵ هو الذي انزل من السماء ماء لکم منه شراب ومنه شجر فيه تسمون، ینبت لکم به الزرع والزیتون والنخيل والاعناب ومن کل الثمرات وسخر لکم الیل والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامرہ... (نحل/۱۰-۱۳).

^۶ یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم (نساء/۲۹)

^۷ امام صادق (ع): ان اراد احدکم ان یتجاب له فلیطلب کسبه و لیخرج من مظالم الناس، و ان الله لا یرفع الیه دعاء عبد و فی بطنه حرام او عنده مظلومه لاحد من خلقه (بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱).

^۸ یا ایها الذین آمنوا اتقوا وذرُوا ما بقی من الربا ان کنتم مؤمنین فان لم تفعلوا فاندوا بحرب من الله و رسوله (بقره/۲۷۹)، (آل عمران/۱۳۰) (روم/۳۹)، (نساء/۱۶۱)، (بقره/۹-۲۷۵)

^۹ وآتوا الیتیمی اموالهم ولا تبدلوا الخبیث من الطیب ولا تاكلوا اموالهم الی اموالکم، انه کان حوبا کبیرا (نساء/۲).

خود در آورد، این خلاف عدالت است^۱. اموال سفیه^۲ و یتیم^۳ را تا زمانی که رشد کافی ندارد، باید در کاری معقول و مفید به کار گرفت، چون اگر به دست خودشان داده شود، آن را از بین می برند. ارث یکی از مسیر های کسب درآمد در اسلام است^۴، از طریق نامشروع نباید اموال یکدیگر را تصرف و تملک کنیم^۵. امانت را نباید جزء درآمد خود بدانیم^۶. از طریق کم فروشی در پیمانها و وزن و کم گذاشتن حقوق دیگران نباید بر اموال خود بیفزائیم^۷. انفال^۸ و خمس^۹ از درآمدهای مخصوص حکومت اسلامی است، خمس می تواند برای بعضی مؤمنان نیازمند نیز، منبع درآمد محسوب شود. نباید در جنگ ها، به فکر دستاوردهای دنیوی باشیم، بلکه دستاوردهای اخروی مهم تر است^{۱۰}، لکن اگر بر اساس مقررات حکومت اسلامی، از غنایم جنگی به رزمندگان داده شد، جزء درآمد های حلال و پاکیزه محسوب می شود^{۱۱}. زکات برای بعضی افراد نیازمند می تواند منبع درآمد باشد^{۱۲}، اما برای حکومت اسلامی از منابع درآمد مهم تلقی می شود^{۱۳}. کسب درآمد از طریق احتکار، بسیار نکوهش شده و ممنوع است^{۱۴}.

در قرآن راجع به کسب درآمد به ویژه از راه تولید اهتمام زیادی شده است. خداوند در زمین آنچه برای ادامه زندگی انسان لازم است، قرار داده است، اما این گونه نیست که کلیه نیازمندی های انسان به صورت بالفعل و بدون کار و تلاش در اختیار او باشد، بلکه باید با خلاقیت، ابتکار و تلاش رزق و روزی خویش را از منابع طبیعت به دست آورد و آنها را برای استفاده آماده سازد. بنابراین اگر ایمان و تقوا، مایه نزول برکات الهی و

^۱ وان خفتم الا تقسطوا فی الیتیمی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع... (نساء/۳)

^۲ ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التي جعل الله لکم قیاما وارزقوهم فیها واکسوهم و قولوا لهم قولا معروفا (نساء/۵).

^۳ وابتلوا الیتیمی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم (نساء/۶)، (نساء/۲)

^۴ للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان والاقربون... (نساء/۱۴-۷)، (نساء/۳۳)، (توبه/۳۴)

^۵ ولیخش الذین لوترکوا من خلفهم ذریه ضاعفا خافوا علیهم فالیتقوا الله ولیقولوا قولاسدیدا (نساء/۲۹)

^۶ ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها... (نساء/۵۸)

^۷ ووفوا الکیل والمیزان ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تفسدوا فی الارض... (اعراف/۸۵)

^۸ یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا واصلحوا ذات بینکم... (انفال/۱)

^۹ واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ وللرسول ولذی القربی والیتمی والمسکین وابن السبیل... (انفال/۴۱)

^{۱۰} ما کان لنبی له اسری حتی یثخن فی الارض، تریدون عرض الدنیا والله یرید الاخره... (انفال/۶۷)

^{۱۱} فکلوا مما غنمتم حلالا طیبا واتقوا الله ان الله غفور رحیم (انفال/۶۹)

^{۱۲} واذ قیل لهم انفقوا مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین آمنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه... (یس/۴۷)

^{۱۳} وما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فالولئک هم المضعفون (روم/۳۹)

^{۱۴} یامبر خدا (ص): من جمع طعاما یتربص به الغلاء اربعین یوما فقد بریء من الله و بریء الله منه (بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۲۹۲).

رونق اقتصادی دانسته شده است^۱ مراد این نیست که فقط ایمان و تقوا، و... موجب نزول برکات می‌شود، بلکه جنبه اثباتی آن نیز که عبارت است از سعی و تلاش برای استفاده از منابع طبیعت مورد توجه بوده است. فعالیت اقتصادی اختصاص به یک جنس خاص ندارد: بلکه هر دو جنس می‌توانند تولید اقتصادی و کسب درآمد داشته باشند و دست آورد خود را مالک شوند، فرقی نمی‌کند که این مال از طریق مهریه حاصل شود^۲ یا کار کردن و داشتن شغل^۳ یا از طریق وصیت و ارثی که به آنها می‌رسد^۴. یا از هر طریقی دیگر. در هر صورت زن هم می‌تواند کسب مشروع و فعالیت اقتصادی ولو در خانه شوهر داشته باشد.

توزیع: می‌توان گفت که تمام دستورات عمل‌های اسلام در خصوص توزیع، به نوعی به عدالت بر می‌گردد. اگر عدالت در توزیع به معنی نوع خاصی از اختصاص دادن درآمد ها باشد، این عدالت هم برای گروه‌ها و جوامع بزرگ و دولت‌ها، ضرورت دارد و هم برای تک‌تک افراد، چه اینکه فرد هم هزینه‌های ضروری متعددی را پیش روی خود می‌بیند و این گونه نیست که درآمد او همواره برای همه آن موارد کفاف بدهد، بنابراین این به ناچار باید از بین آنها انتخاب کند و در این انتخاب کردن است که عدالت معنی پیدا می‌کند. توجه ما، در اینجا، بیشتر به جایگاه توزیع در سبک زندگی فردی است. اگر حلال و حرام خداوند، در بعد توزیع، رعایت شود، در واقع عدالت رعایت شده است. (البته عدالت اختصاص به بعد توزیع ندارد، بلکه در دو بعد کسب درآمد و مصرف نیز مفهوم و مصداق دارد). بیان دیگری از عدالت این است که نباید در بعضی از موارد توزیع و مصرف، افراط و تفریط کنیم مؤمنان اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند، بلکه راه اعتدال را پیش می‌گیرند، حتی در انفاق کردن افراط و تفریط ندارند^۵ قرآن در قالب جمله ای کنایی می‌فرماید: نه دست خویش را از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حالت، ملامت زده و حسرت خورده بنشیني^۶.

پس از مصارف شخصی و خانوادگی در حد ضرورت و متعارف، یکی از بزرگ راه‌های توزیع، عبارت است از پرداختن بدهی‌های مالی که از طریق دین به عهده ما گذاشته شده است، مثل خمس، زکات^۷، صدقات مستحبی و بخشیدن آنچه مازاد بر نیازمان داریم^۸ و دستگیری نیازمندان نزدیکان، یتیمان، و مساکین و در راه

^۱ ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض (اعراف/۹۶)

^۲ وآتوا النساء صدقاتهن نحله (نساء/۴)

^۳ للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن (نساء/۳۲)

^۴ للرجال نصيب مما ترك الوالدان و القربون و للنساء نصيب مما ترك الوالدان و الاقربون مما قل منه او كثر نصيبا مفروضا (نساء/۷)

^۵ و الذين اذا انفقوا لم يسرفوا و لم يفتروا و كان بين ذلك قواما (فرقان/۶۷)

^۶ ولا تجعل يدك مغلولة الي عنقك ولا تبسطها كل البسط فتعبد ملوما محسورا (سراء/۲۹)

^۷ وما آتيتم من زكوة تريدون وجه الله فاولئك هم المضعفون (روم/۳۹)

^۸ ويسئلونك ماذا ينفقون قل العفو (بقره/۲۱۹)

ماندگان^۱ و بردن هدیه برای افراد مؤمن. یکی دیگر از مسیر های توزیع (و در مقابل برای بعضی افراد، مسیر کسب درآمد) عبارت است از وصیت کردن و باقی گذاشتن اموال برای بازماندگان، وصیت احکام مفصلی دارد که از آن عبور می کنیم. بازماندگان نباید وصیت را تغییر دهند^۲

یکی دیگر از مسیرهای توزیع، عبارت است از قرض الحسنه دادن به افراد مؤمن^۳، برای قرض الحسنه احکام دقیقی در اسلام آمده است. لازم است زمان باز پرداخت آن معین و مکتوب شود، کاتبی از روی عدالت آن را بنویسد قرض دهنده و قرض گیرنده و دو شاهد، آن را ملاحظه کنند و اگر زمانی لازم شد که شاهدان در دادگاه حاضر شده و شهادت بدهند، تکلیف دینی دارند که این کار را انجام دهند؛ اگر امکان نوشتن نبود می توانند چیزی را به عنوان گرو قرار دهند، لکن همه این مقررات برای زمانی است که قرض دهنده، آن تدبیرها را لازم بداند، اما اگر او اطمینان دارد که بدون نوشتن یا گرو گرفتن، می تواند مالش را پس بگیرد، اشکالی ندارد که این مقررات را عمل نکنند، البته کسی هم که قرض الحسنه گرفته است، باید آن را به موقع بازگرداند، خواه نوشته و رهنی در بین باشد یا نباشد. لکن اگر بدهکار، گرفتار سختی و تنگدستی است و امکان پرداخت ندارد، بهتر است تا هنگام توانایی به او مهلت داده شود و چنانچه واقعا قدرت پرداخت ندارد، بخشیدن آن بهتر است^۴. انجام صدقات بهتر است مخفی باشد^۵. البته آشکار بودن آن هم منع جدی نشده است^۶، لکن باید مواظب باشیم که گرفتار ریا^۷ و منت گذاری و اذیت کردن^۸ فرد نیازمند نشویم مؤمن از پاکیزه ترین ارزاق خود به دیگران می بخشد، نه آنچه را که اگر به خودمان بدهند نمی گیریم^۹. به واقع آنچه را که به دیگران می بخشیم، برای خودمان باقی می ماند و آنچه را که مصرف شخصی می کنیم، از بین می رود^{۱۰}. بهترین موارد انفاق، مؤمنانی هستند که در راه خدا ناتوان شده

^۱ یسئلونک ماذا ینفقون قل ما انفقتم من خیر فللوالدین والاقربین والیتامی والمساکین وابن السبیل... (بقره/۲۱۵)

^۲ کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیرا الوصیه للوالدین والاقربین بالمعروف حقا علی المتقین (بقره/۱۸۲-۱۸۰).

^۳ من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره والله یقبض وبیسط والیه ترجعون (بقره/۲۴۵)

^۴ وان کان ذوعسرہ فنظره الی میسرہ و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون (بقره/۲۸۰)، (بقره/۲۴۵)، (مائده/۱۲)، (حدید/۱۰-۱۳)، (مزمّل/۲۰)، (تغابن/۱۹)، (حدید/۱۸).

^۵ ان تبدوا الصدقات فنعمایه و ان تخفوها و تؤتوها الفقرا فهو خیر لکم... (بقره/۲۷۱)

^۶ یا ایها الذین آمنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی یوم لا بیع فیہ و لا خله و لا شفاعة... (بقره/۲۵۴).

^۷ والذین ینفقون اموالهم رثاء الناس ولا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر... (نساء/۳۸)

^۸ یا ایها الذین آمنوا لاتبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی کالذی ینفق ماله رثاء الناس فمثله کمثل صفوان علیہ تراب فاصابه وابل فترکه صلدا لا یقدرون علی شیء مما کسبوا... (بقره/۲۶۲-۲۶۶).

^۹ یا ایها الذین آمنوا انفقوا من طیبات ما کسبتم و مما اخرجنا لکم من الارض... (بقره/۲۶۷)

^{۱۰} الذین ینفقون اموالهم سرا و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا یحزنون (بقره/۲۷۴)

اند و امکان سفر و پول بدست آوردن ندارند و به خاطر شدت حجب و حیای آنها، دیگران آنها را غنی می‌پندارند؛ آنان هرگز با اصرار چیزی از دیگران نمی‌خواهند.^۱

بعضی از راه های توزیع (و کسب درآمد) و بعضی از اعمال در آن، ممنوع است و باید از آن اجتناب شود؛ رشوه دادن (و گرفتن)^۲، ربا دادن (و گرفتن)^۳، بخل ورزیدن^۴ دیگران را به بخل امر کردن، نعمت های خدا را کتمان و پنهان کردن^۵، ربا کردن در انفاق^۶ ذخیره کردن مال و اجتناب از هزینه کردن آن^۷، ترسیدن از فقر مالی آینده و خرج نکردن به خاطر وسوسه های شیطان^۸، فراموش کردن وعده مغفرت الهی برای صدقه دهنده ها، غفلت از اینکه آنچه را صدقه می‌دهیم در واقع به خودمان باز می‌گردد^۹. کم فروشی کردن^{۱۰}، به خاطر منافع خود و والدین و بستگان، از عدل و قسط سرباز زدن^{۱۱}، از بدرفتاری افراد و گروه های دیگر، به اصطلاح لج کردن و خارج شدن از مسیر عدالت^{۱۲}، ... از جمله این موارد است.

مصرف: مخارج اقتصادی مسلمان به سه دسته کلی تقسیم می‌شود؛ الف) مخارج شخصی، مثل خوراک، پوشاک، مسکن، ازدواج، حمل و نقل، تفریحات، و... ب) مخارج پس انداز (یعنی کنار گذاشتن مقداری از درآمد زمان حال برای مصرف در آینده) و سرمایه گذاری (یعنی وارد کردن درآمد فعلی در چرخه تولید و کسب درآمد). ج) مخارج مشارکت های اجتماعی که فرد به صورت داوطلبانه در امور عام المنفعه، مانند کمک به نیازمندان، ساختن مسجد، مدرسه، و... یا بر اساس قانون عمومی، مثل مالیات، زکات، و... هزینه می‌کند؛ این مخارج در سیستم مفهومی اسلام بسیار مهم است. ما در بحث مصرف، به قسمت «الف» توجه می‌کنیم و قسمت ها «ب» و «ج» را در بحث توزیع مورد توجه قرار دادیم.

^۱ بحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف تعرفهم بسیماهم لایستلون الناس الحافا... (بقره/۲۷۳)

^۲ ولاتاکلوا اموالکم بینکم بالباطل وتدلوا بها الی الحکام لتاکلوا فریقا من اموال الناس بالاثم... (بقره/۱۸۸)

^۳ وما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فالولئک هم المضعفون (روم/۳۹)

- احل الله البیع وحرّم الربا... (بقره/۲۷۵)

^۴ قل لو تملکون خزائن رحمہ ربی اذا لامسکم خشیہ الانفاق وکان الانسان قتورا (اسراء/۱۰۰)،

- الذین یبخلون ویامرون الناس بالبخل (نساء/۳۷)

^۵ ویکتمون ما آتیهم الله من فضله... (نساء/۳۷)

^۶ والذین ینفقون اموالهم رثاء الناس ولا یؤمنون بالله ولا بالیوم الاخر... (نساء/۳۸)

^۷ والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم (توبه/۳۴)

^۸ الشیطان یعدکم الفقر ویامرکم بالفحشاء والله یعدکم مغفره (بقره/۲۶۹)

^۹ وما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله ان الله بما تعلمون بصیر (بقره/۱۱۱).

^{۱۰} ویاقوم اوفوا المکیال والمیزان بالقسط ولا تیخسوا الناس اشیاء هم... (هود/۸۵)

^{۱۱} یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله وعلی انفسکم اولوالدین والاقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما (نساء/۱۳۵)

^{۱۲} یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شأن قوم علی الاتعدلو اعدلو هوا اقرب للثقیوی (مائدة/۸)

